

ناشرانی که از گردونه نشر خارج می شوند

نشر ورشکستگی

اگر در روزهای تعطیل و حتی بعضی از روزهای عادی سری به حاشیه شرقی و غربی خیابان کارگر جنوبی نرسیده به میدان انقلاب و اوایل خیابان کارگر شمالی و نیز بازارچه کتاب روبه روی سینما بهمن که قدمتی بیش از ۵۰ سال دارد بزنید می بینید که کتاب های گوناگون رمان، شعر، تاریخی، سیاسی، زبان، ادبیات و... را طبقه بندی کرده اند و آنها را حتی با ۷۰ و ۸۰ درصد تخفیف یعنی هر جلد ۱۰۰ تا ۳۰۰ تومان به فروش می رسانند و عجیب تر این که اگر در روزهای آخر نمایشگاه کتاب سری به نمایشگاه بین المللی کتاب تهران و یا به نمایشگاه قرآنی بزنید می بینید ناشران، کتاب های خود را با بیش از ۵۰ درصد تخفیف در معرض حراج قرار داده اند، یعنی در واقع چوب حراج بر فرهنگ کتاب و کتابخوانی زده اند.

شما شهروندان و فرهنگیان محترم کدام کالای اقتصادی را سراغ دارید که با ۴۰ تا ۶۰ درصد تخفیف آن هم با چک های موعده دار ۸ ماهه تا یک ساله به معرض فروش گذارده شود؟ راستی چرا این چنین شده است و چرا این چنین ناشرانی (سرمایه داران ورشکسته) دست به این اعمال خلاف عرف اقتصادی می زنند و فرهنگ مردمی را در معرض حراج قرار می دهند؟ اگر از آنها پرسیده شود، چرا این کار را می کنید می گویند به علت عدم توزیع مناسب کتاب و انباشت کتاب های چاپ شده در انبار و مرور زمان بر آن مجبوریم تن به فروش این کالای فرهنگی با قیمت نازل بدهیم تا بتوانیم بخشی از هزینه چاپ کتاب هایمان را تأمین کنیم، گرچه این حرف ناشران از دید خودشان توجیهی درست و منطقی است، اما علل و اسبابی

دیگر در پشت این مسئله نهفته که باید به بررسی و تجزیه و تحلیل آنها پرداخت.

من در این مقاله به طور موجز و مختصر به این معضل خواهیم پرداخت و علل ورشکستگی ناشران را بیان خواهم کرد.

روزی یکی از دوستان که رئیس یکی از شعب بانک رفاه بود می گفت این ناشران را باید سرمایه داران ورشکسته نامید. آن روز من با دقت و تفقه عمیق به این عبارت فکر نمی کردم و اکنون که سایه اقتصاد ناسالم و بی ثباتی اقتصاد جامعه را بر سر خود احساس می کنم می بینم که عبارت سرمایه دار ورشکسته چه مفهوم و مضمون عمیقی یدک می کشد. شاید آن روز این ناشران بالفعل سرمایه دار بودند و بالقوه ورشکسته، ولی هم اکنون آنان بالفعل ورشکسته

شما شهروندان و فرهنگیان محترم کدام کالای اقتصادی را سراغ دارید که با ۴۰ تا ۶۰ درصد تخفیف آن هم با چک های موعده دار ۸ ماهه تا یک ساله به معرض فروش گذارده شود؟ راستی چرا این چنین شده است و چرا این چنین ناشرانی (سرمایه داران ورشکسته) دست به این اعمال خلاف عرف اقتصادی می زنند و فرهنگ مردمی را در معرض حراج قرار می دهند؟



داود علی بابایی

هستند و بالقوه سرمایه دارند، زیرا دیگر کسی خواهان خرید کتاب برای مطالعه نیست و همین مسئله باعث شده که این قشر زحمتکش فرهنگی در پرتگاه نیستی و نابودی و ورشکستگی و حتی به محبس افتادن قرار گیرند و برای این موضوع می توان عوامل و علل زیر را برشمرد:

• بیش از پنج سال است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با بانک رفاه تفاهنامه ای مبنی بر پرداخت وام چاپ کتاب به ناشران امضا نکرده و در چند ساله اخیر نیز به طور کلی این مسئله منتفی شده است. ناشران فعال و نیمه فعال با دریافت وام چاپ کتاب که به صورت مشارکتی بود تحولی در اقتصاد صنعت نشر ایجاد می کردند، زیرا نخست بهره وام ها محدودده درصد بود و دوم، این وام ها شش ماه توقف داشت و ناشران به صورت فروش اقساطی در طول دوازده ماه وام و سود آن را پرداخت می کردند. این وام باعث می شد که ناشر با فراغ البال اقتصادی و با اطمینان به سرمایه گذاری در امر صنعت نشر اقدام کند و شاید این موضوع بیش از سی درصد از ورشکستگی، رکود و افول ناشران جلوگیری می کرد و باید از دولت خدمتگزار و عدالت پرور در مورد را کد گذاشتن و منتفی کردن این نوع وام ها پرسید؛ شما که به فرهنگ کتاب و کتابخوانی این قدر اهمیت می دهید پس چرا با اعمال خود ناشران را در پرتگاه نیستی و فنا قرار می دهید؟ چرا بقیه اصناف از راه های مختلف می توانند وام دریافت کنند و ناشران از این مزایا محروم هستند؟

• حذف پارانه کاغذ یکی از عوامل رکود و ورشکستگی ناشران است. گرچه بعضی معتقدند که با حذف پارانه از کاغذ، فضا برای ناشران

فعال بازمی گردد. و ناشران سطحی و حاشیه‌ای و ناکارآمد از صحنه خارج می‌شوند، ولی نباید این موضوع را از نظر دور داشت که ناشران با خرید کاغذ آزاد مجبورند بر قیمت کتاب‌های خود بیفزایند.

هم‌اکنون هر صفحه رقمی بین ۲۰ تا ۳۰ تومان و هر صفحه وزیری بین ۲۵ تا ۴۰ تومان قیمت‌گذاری می‌شود، با این حال ناشران دخل و خرجشان برابری نمی‌کند و همیشه بدهکار هستند مگر ناشرانی که به طریقی به جایی وابسته هستند و یا با مؤسسه‌ها و ارگان‌ها مرتبطند. این مسئله باعث می‌شود که قشر کتابخوان نتوانند کتاب‌های با قیمت بالا را خریداری کنند، آن هم در جامعه‌ای که اقتصاد آن بی‌ثبات است و به قول معروف مردم به نان شب محتاجند و قشر دانشجو بخصوص دانشجو جوان دانشگاه آزاد، پیام نور و دانشگاه‌های غیرانتفاعی با آن شهریه‌های گزاف، دیگر بودجه‌ای برای خرید کتاب بویژه کتاب‌های عمومی و خارج از برنامه درسی خود ندارند. این امر باعث می‌شود که کتاب‌های ناشران از شمار ۱۵۰۰ نسخه تجاوز نکند و انبارها انباشته از کتاب‌های تخصصی و غیر تخصصی شود، آن وقت است که سرمایه ناشر به پول تبدیل نمی‌شود و تنها چک‌ها و بدهی‌هایی می‌ماند که ناشر بابت مخارج و هزینه چاپ یک کتاب دارد و همین موضوع است که به ورشکستگی ناشران دامن می‌زند.

• **ممیزی کتاب** (پیش و پس از چاپ) یکی دیگر از پیامدها و عوامل رکود اقتصاد در صنعت نشر است. متأسفانه ذهنیت قشر کتابخوان نسبت به ارزیابی کتاب‌ها جنبه منفی گرفته و هنگامی که کسی می‌خواهد کتابی را بخرد در وهله اول در مورد سانسور و عدم سانسور آن می‌پرسد و چون این ذهنیت فراگیر شده سرانجام منتهی به انصراف کتابخوان از خرید کتاب می‌شود و بخصوص در چند ساله اخیر که ممیزی کتاب، کتابخوانی را کمرنگ کرده و همین ذهنیت باعث شده کتاب‌های ناشران در انبارها خاک بخورد و ناشران در پرتگاه ورشکستگی قرار دهد.

• **پیشرفت تکنولوژی صوتی و تصویری** و سمعی و بصری باعث شده که افراد علاقه‌مند به فراگیری مطالب علمی و عمومی کمتر به کتاب روی آورند. با پیشرفت سریع اینترنت،

قشر دانشجو بخصوص
دانشجویان دانشگاه آزاد، پیام
نور و دانشگاه‌های غیرانتفاعی
با آن شهریه‌های گزاف، دیگر
بودجه‌ای برای خرید کتاب
بویژه کتاب‌های عمومی و خارج
از برنامه درسی خود ندارند.
این امر باعث می‌شود که
کتاب‌های ناشران از شمار ۱۵۰۰
نسخه تجاوز نکند و انبارها
انباشته از کتاب‌های تخصصی
و غیر تخصصی شود، آن وقت
است که سرمایه ناشر به پول
تبدیل نمی‌شود و تنها چک‌ها
و بدهی‌هایی می‌ماند که ناشر
بابت مخارج و هزینه چاپ یک
کتاب دارد و همین موضوع
است که به ورشکستگی
ناشران دامن می‌زند

سایت‌ها و بازی‌های رایانه‌ای و گیم‌ها و نوارها و سی‌دی‌ها، دیگر علاقه‌ای به مطالعه کتاب احساس نمی‌شود به همین سبب است که کتابی با تیراژ بیش از ۱۰۰۰ نسخه نیمی از آن به فروش می‌رسد و نیمی دیگر در انبارها خاک می‌خورد. • **نبودن مراکز توزیع مناسب و مورد اطمینان** برای بخش کتاب، ناشران را با مشکل روبه‌رو کرده است. ناشران با نفوذ و فعال خود دارای مرکز بخش هستند و به ندرت کتاب‌های ناشران دیگر را می‌پذیرند و یا این مراکز به صورت انحصاری اداره می‌شوند و تنها معدودی که متنفذ هستند در این مراکز عضویت دارند و به خوبی هم کتاب‌هایشان به فروش می‌رسد و سود خوبی هم عایدشان می‌شود و ناشران غیرمتنفذ و خارج از این گروه مجبورند کتاب‌های خود را به بخش‌هایی بدهند که یک اتاق یا یک آپارتمان اجاره کرده‌اند و کتاب‌های چندین ناشر را گردآوری کرده‌اند و می‌بینیم پس از مدتی به قصور یا تقصیر ورشکسته شده و به قول معروف بخش خود را جمع می‌کنند، بدین صورت چندین ناشر را دچار ضعف مالی می‌نمایند و حتی به پرتگاه ورشکستگی می‌کشانند،

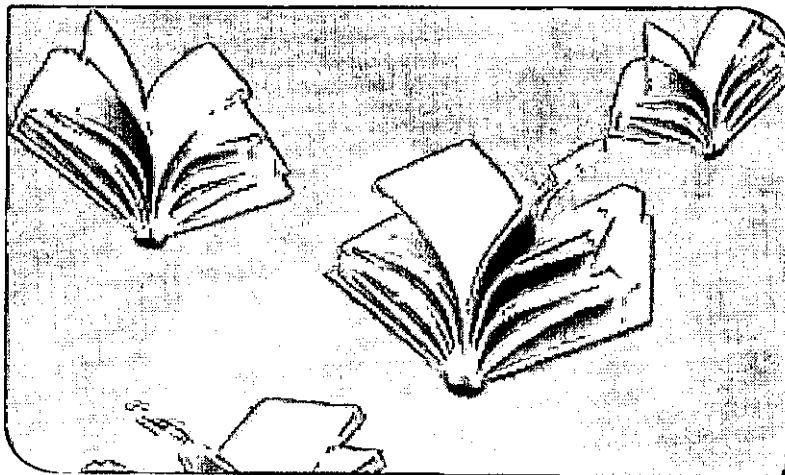
در حالی که مراکز بخش رسانه‌های تصویری، نشریات و جراید معدود و محدود هستند و حالت منسجم، مرتب و منظمی دارند.

• **در حال حاضر شرایطی پیش آمده که بیشتر** چک‌های مشتریان موجودی ندارد و برگشت می‌خورد و ناشران نیز نمی‌توانند از این موضوع و معضل حاد اقتصادی دور باشند. ناشری که کاغذ را نقد می‌خرد و پول صحافی، لیتوگرافی، چاپ و حق‌التالیف را چند ماهه پرداخت می‌کند کتاب‌های منتشره خود را هشت ماهه، نه ماهه و حتی یک سال موعدها می‌فروشد و ناشر می‌خواهد چک‌های موعدها را وصول کند نوبت واریزی چک‌هایی که بابت هزینه چاپ داده، می‌رسد، از این رو در این برهه دچار کسری مالی شده و مجبور است کسری خود را از طریق آزاد (پول بهره‌ای از بیرون یا بهره کلان) و یا از راه بانک‌ها تأمین کند، آن هم با بهره‌های بیش از ۲۵ درصد در سال، یا چک‌های مشتریان خود را با کسر ۴ تا ۶ درصد در ماه خرد کنند. در چند ماهه اخیر وام گرفتن از بانک‌های دولتی و خصوصی گذر از هفتخوان رستم است و ناشر مجبور است که پول بهره‌ای بگیرد و همین موضوع او را در سراشیب ورشکستگی قرار می‌دهد و گامی است به سوی ورشکستگی.

• **عدم خرید کتاب‌هایی که از سوی وزارت** ارشاد مجوز گرفته‌اند تأثیر بسیار منفی بر اقتصاد صنعت نشر گذارده است...

هم‌اکنون که این مقاله نوشته می‌شود چندین ناشر (سرمایه‌دار ورشکسته) دچار مشکل مالی شده‌اند، همین چند روز پیش بود که نشر آهنگ دیگره اعلام کرده به علت مشکلات مالی پس از ۸ سال نشر خود را تعطیل خواهد کرد. با این که در سطح کشور بیش از هشت هزار ناشر فعالیت می‌کنند، ولی هیچ اطلاع‌رسانی در مورد آنان در رسانه‌های جمعی یا رادیو و تلویزیون صورت نمی‌گیرد، در حالی که اگر صنعت پوشاک یا کفش کشور دچار مشکل و رکود شود این اصناف به سادگی می‌توانند مشکلات خود را از رسانه ملی (صدنا و سیما) اعلام کنند و علت ورشکستگی خود را مطرح کنند، ولی اگر ناشران این کشور دچار مشکل شوند کسی نیست به حرف‌های آنان گوش دهد. حتی اگر یک روزنامه یا مجله دچار مشکل شود انجمن صنفی روزنامه‌نگاران مشکلات او را اعلام می‌کنند، البته چندی است

آبان و آذر ۱۳۸۹
شماره ۱۳۸



که این انجمن نیز تعطیل شده است [اما هیچ ارگان یانهادی نیست که از حقوق شهروندی اقتصادی و فرهنگی یک ناشر دفاع کند.

در طول چند ساله اخیر بیش از ده ناشر ورشکست شده اند که برخی از آنان بدون سروصدا نشر خود را جمع کرده اند و برای آنکه آبروی خود را حفظ کنند به گوشه‌ای خزیده اند و برخی دیگر چون مشکشان حاد بوده کارشان به قوه قضاییه کشیده شده و متأسفانه راهی زندان شده اند، بدون این که ملک و املاکی داشته باشند و یا اندوخته‌ای برای خانواده خود گذاشته باشند به جز انباری انباشته از کتاب. بیشتر این ناشران بر اثر وصول نشدن چک‌هایشان و سررسید واریزی‌شان دچار مشکل شده اند.

متأسفانه بسیاری از ناشران و همکاران ما علم و مهارت کافی در چاپ و تولید کتاب را ندارند و همین مسئله باعث شده که نتوانند کتاب خوب تولید کنند و به فروش برسانند، تنها تعداد معدودی از ناشران هستند که شم فرهنگی داشته و مهارت لازم در تولید کتاب را دارند و حتی خود، اهل قلم هستند و جویندگان را خوب احساس می‌کنند و می‌دانند چه نوع کتاب‌هایی را باید تولید کنند تا به فروش برسد. بیشتر ناشران کلیشه‌ای کار می‌کنند و تنها کتاب‌سازی می‌کنند، چنانچه دیوان شعرایی چون حافظ، سعدی و مولوی را بیشتر ناشران غیرفعال به چاپ رسانده اند. گاهی آنان کتاب‌هایی را به چاپ می‌رسانند که ۳۰ سال از فوت مؤلف گذشته باشد تا حق التالیف پرداخت نکنند، مثلاً تاریخ ایران باستان اثر حسن پیرنیا را ناشران زیادی به شکل‌های مختلف به چاپ رسانده اند. ناشر خوب آن است که کتابی به جامعه ارائه دهد که موج ایجاد کند و باعث تغییر و تحول فکری در قشر جوان و مطالعه کننده شود.

در کشورهای صنعتی و پیشرفته و در کشورهای در حال توسعه نویسندگان، مترجمان، ناشران و هنرمندان از سوی حکومت‌ها حمایت مادی و معنوی می‌شوند، مثلاً در کشورهای اروپایی نویسندگان از دولت حقوق دریافت می‌کنند بدون اینکه آنان به دولت وابستگی فکری و سیاسی داشته باشند و یا در کشورهای اسکاتلندی و یاناشرانی که تابع کشورهای دیگر، اما مقیم سوئد هستند منتشر می‌شود، هر نوع کتابی باشد از سوی حکومت ۳۰۰ جلد از آن

به چهار برابر قیمت پشت جلد از ناشر خریداری شده و در کتابخانه‌های عمومی و دولتی توزیع می‌شود و این خود کمک شایانی به صنعت نشر می‌کند. حتی در کشورهایی مانند ژاپن،

در کشورهای صنعتی و پیشرفته و در کشورهای در حال توسعه نویسندگان، مترجمان، ناشران و هنرمندان از سوی حکومت‌ها حمایت مادی و معنوی می‌شوند، مثلاً در کشورهای اروپایی نویسندگان از دولت حقوق دریافت می‌کنند بدون اینکه آنان به دولت وابستگی فکری و سیاسی داشته باشند و یا در کشورهای اسکاتلندی و یاناشرانی که تابع کشورهای دیگر، اما مقیم سوئد هستند منتشر می‌شود، هر نوع کتابی باشد از سوی حکومت ۳۰۰ جلد از آن به چهار برابر قیمت پشت جلد از ناشر خریداری شده و در کتابخانه‌های عمومی و دولتی توزیع می‌شود و این خود کمک شایانی به صنعت نشر می‌کند

کره جنوبی، مالزی و مانند آن، آن‌چنان حمایتی از اهل فرهنگ می‌شود که همه می‌خواهند جذب آن کشورها بشوند، در حالی که ناشران ایرانی می‌دانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از ناشران، نویسندگان و مترجمان حمایت چندانی نمی‌کند. حال پرسش این است که ما چگونه می‌خواهیم صنعت نشرمان رشد و نمو کند و خود را با کشورهای اروپایی و امریکایی مقایسه کنیم؟

من به عنوان یک فرهنگی و ناشر به تمام همکاران خود صریحاً می‌گویم با این وضع اقتصاد ناسالم صنعت نشر ورشکستگی شتری است که جلوی خانه همه ناشران خواهد خوابید، همچنین که اکنون گریبان ناشران بسیاری از جمله خود مرا گرفته است.

من به عنوان یک ناشر و شهروند ایرانی از کارگزاران فرهنگی و نهادهایی که تمکن مالی دارند و کمیسیون فرهنگی مجلس و کمیسیون امور اقتصادی مجلس و بخصوص اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران و اتحادیه ناشران ایران می‌خواهم درباره جلوگیری از ورشکستگی ناشران راهکاری ارائه دهند تا این مسئله فراگیر نشود و ناشرانی که هم‌اکنون به قصور یا تقصیر ورشکست شده‌اند و یا در حال ورشکستگی هستند برای نجات آنان راهی بیندیشند. آیا منصفانه است که یک ناشر که عمری کار فرهنگی انجام داده و مالی نیندوخته جرم چک‌های بدون موجودی و پلامحل دچار مشکل مالی و قضایی شده و خانواده او با مشکلات عدیده مالی و اجتماعی و اقتصادی روبه‌رو شوند؟

مدیر مسئول انتشارات امید فردا